

نظری و گذری

بر انتخابات
نهمین دوره

دکتر پرویز ورجاوند

ریاست جمهوری

پول آشنایی قابل توجهی پیدا کرده بود. بنابراین، در انتخابات این دوره شرایطی پیش آمد که یکی از چهار نظامی که به اعتبار تبلیغات، امکانات و آدرسهای که در برخی موارد داده می شد، به ریاست جمهوری و قبضه کردن قدرت، توفیق یابد و شرایط انتخابات در مسیری قرار گرفت تا فردی که هم در نظر سنجی ها و هم در ابتدای جریان رای خوانی دور اول در رده های پایین جدول قرار داشت، یکبار به بالا کشیده شد و این تاثیر افرادی بود که از ستون های حاکمیت بودند و از این جریان حمایت می کردند.

در سخنان آقای کروبی اشاراتی به این موضوع شد و قصد داشت در مراحل بعدی مبارکی هم در این خصوص ارائه کند که ظاهرا راه بر ایشان بسته شد و متأسفانه ایشان سکوت اختیار کردند.

بنابراین به نظر می رسد، آقای احمدی نژاد در تصمیم های پس پرده به جهات خاصی برگزیده شد و همه اهرمها به کار گرفته شد، تا در پایان مرحله نخست انتخابات به عنوان شخص دوم به مرحله بعدی بیایند، تا در این مرحله امکان برگزیده شدنشان بی چون و چرا و قطعی باشد. رقابتهای انتخاباتی این دوره را باید جشنواره افشاگری نامید. در طول دوران پس از انقلاب تاکنون چنین فضایی سابقه نداشته است. افراد دست چین شده به وسیله شورای نگهبان که به عرصه انتخابات راه یافتند به شدت کلیت ساختار حاکمیت را از شروع تا به امروز در تمامی زمینه ها (سیاست خارجی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی... مسئله فشار، رانت خواری و تمام مسائلی که اپوزیسیون مطرح می کرد) و به بهترین شکل، چون از آگاهی کافی نسبت به مسائل برخوردار بودند، کلیت ساختار نظام رازیر سوال

نظامی بشود. (البته به باور من از انتخابات شورای شهر و بویژه مجلس، این مسئله مشخص بود.) جریان نسل دوم انقلاب که بیشتر در جنگ و پس از آن حضور داشت و واقعا شاهد دوران بسیار سخت و سنگینی هم بود، انتظار نداشت که به دنبال پایان جنگ وضع اینگونه شود. در واقع مجموعه رویدادهای پس از جنگ، نوکیسگانی را بوجود آورده بود که اقتصاد کلان کشور را در اختیار داشتند و پستها و مقامها، به یک جریان خاص و معین واگذار شده بود، که در بسیاری

نامزدهای ریاست جمهوری برای تثبیت خودشان دیگران را تخریب کردند و به تمام وسائل در این راه توسل جستند. نامزدهای این دوره انتخابات نه به دوستان دیروز خود ترحم کردند و نه به استوانه های نظام مورد اعتقاد خود.

موارد این رویدادها نمی توانست حمایت عمومی را به دنبال داشته باشد.

نسل دوم نگران این بود که مبادا کل جامعه در برابر تمام مسائل پیوند خورده با انقلاب، قرار گیرد و بعد به این احساس رسید که چرا ما نباید حضور گسترده تری داشته باشیم و این مسئولیتها را بر عهده بگیریم و چرا باید همیشه در رده دوم قرار بگیریم.

ضمن اینکه در سالهای گذشته شرایطی برای سپاه بوجود آمده بود که بتواند در حرکت های گسترده اقتصادی، در چارچوب مسائل عمرانی شرکت کند و به هر حال بخش کوچک ولی مقتدری از آن با پدیده تلاشهای مالی و چرخش

در تاریخ ۲۷ ساله پس از انقلاب برای اولین بار نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به دوره دوم کشیده شد.

و همچنین در این دوره از انتخابات حکومت با شرایطی مواجه شد که تا به حال در ایران سابقه نداشته، یعنی در طول دوران پس از انقلاب برای اولین بار چنان موضعگیری های شفاف و منتقدانه ای در آن مطرح شد. جناح اقتدارگرا و جناح به اصطلاح اصلاح طلب وابسته به درون حاکمیت تا حدی رودرروی هم قرار گرفتند که مربوط می شود به دوم خرداد سال ۷۶، در حالیکه رودرروی جلدی در مسیری صورت گرفت که بتواند شرایط بحرانی مربوط به کل حاکمیت و نظام را ترمیم کند.

به سابقه مقابله بین دو جریان داخل حاکمیت در فرصت دیگری خواهم پرداخت که چگونه در نهاد آن تقابل، اراده ای وجود داشت، در جهت تثبیت اوضاع برای کل ساختار حاکمیت که به دنبال شرایط خاص و مطلق انحصارگرایی و شرایط بسته در ایران، با این حال جامعه در مسیر خواسته های آزادی خواهانه قرار گرفت و به گونه ای پاسخی نسبی به پدیده ی دموکراسی خواهی ایرانیان بود.

اما انتخابات امسال، در عین حالی که در بین دو جناح حاکمیت چهره هایی رودررو قرار گرفتند، پیامی می داد مبنی بر اینکه جریانی که تا بحال در کزینشهای قبلی حضور نداشت و یا فعال نبود، به صحنه آمد، و آن نقش چهره های وابسته به جریان نظامی کشور بویژه سپاه بود که حداقل با ۴ شخصیت در انتخابات حضور پیدا کرد.

تاروهای آخر تبلیغات انتخاباتی این ذهنیت وجود نداشت که انتخابات به مسیری برود که منجر به پیروزی بی چون و چرای این جریان



بردند.

اگر رسانه های گروهی ایران، سخنان و مباحثی را که کاندیداهای این دوره و نمایندگان و مشاورانشان مطرح کردند، جمع آوری کنند، هیچ مجموعه ای اینقدر روشنگر نخواهد بود که نشان دهد در طول ۲۶ سال چه بدبختی ها بر سر مردم ایران آمده است.

نامزدهای ریاست جمهوری برای تثبیت خودشان دیگران را تخریب کردند و به تمام وسائل در این راه توسل جستند. نامزدهای این دوره انتخابات نه به دوستان دیروز خود ترحم کردند و نه به استوانه های نظام مورد اعتقاد خود. حرکت های تبلیغاتی در این دوره برای دستیابی به رای مردم به بهای لطمه زدن به مسائلی که در آینده حل کردن آنها بسیار مشکل خواهد بود، کار بسیار ناشایستی بود که متأسفانه انجام شد.

در مورد مسئله آمریکا هیچ کدام توان این را نداشتند که استراتژی خاصی رایان کنند و همه به کلی گویی پرداختند. جز اینکه با توجه به فضا و شرایط خاص حاکم بر منطقه، همه بجز آقای احمدی نژاد، تلاش می کردند بگویند که با آمریکا باید به گفت و شنود پرداخت و باید این رابطه متشنج را به یک رابطه مناسب تر تبدیل کرد.

و در مورد مسائل اتمی، هیچ کدام از کلمه عزت و اعتبار، فراتر نرفتند و اینکه در عزت و اعتبار چه می توان یافت، مشخص نیست؛ البته دقیقاً این موضع گیری ها به این دلیل است که آنها حق سیاست گذاری در مسائل کلی سیاست خارجی را ندارند و تنها منجر سیاست هایی هستند که به آنها دیکته می شود.

پرداختن به قضیه قوم گرایی در ایران، یکی از اشتباهات به شدت نابخردانه ای بود که همه نامزدها انجام دادند. به این دلیل که از جریانهای خارجی ای رو دست خوردند که در صدد ایجاد جریانی به نام قومیت گرایی در ایران هستند تا بتوانند مجموعه جامعه ایران را به آشفتگی بکشانند.

اکثریت نامزدها در کل شناختی نسبت به شکل گیری یک ملت، نقش تیره های ایرانی و این که پدیده قومیت چگونه بوجود آمده و از کجا سرچشمه گرفته است، نداشتند، با این حال برای جلب برخی جریانهای توجیه به منافع کلان ملی، آب به آسیاب کسانی ریختند که بر اساس یک برنامه سازمان یافته و حمایت شده از فراسوی مرزها، برآند تا وحدت ملی و یکپارچگی ایران را متزلزل نمایند. و درآمد پنجاه میلیارد دلاری امسال به سرنوشت دردناک درآمدهای پنجاه میلیارد دلاری دوران پس از انقلاب تا به امروز

پرداختن به قضیه قوم گرایی در ایران، یکی از اشتباهات به شدت نابخردانه ای بود که همه نامزدها انجام دادند.

دچار می گردد. همه تحلیلگران آگاه با شناختی که از مجموعه جریان پیروز دارند، به شدت نگران آنند که با حضور موج جدید از پایه و ران به دور از دید کارشناسی و صلاحیت بالای مدیریتی در دستگاه دوست، کشور در ابعاد گوناگون با فاجعه مواجه گردد.

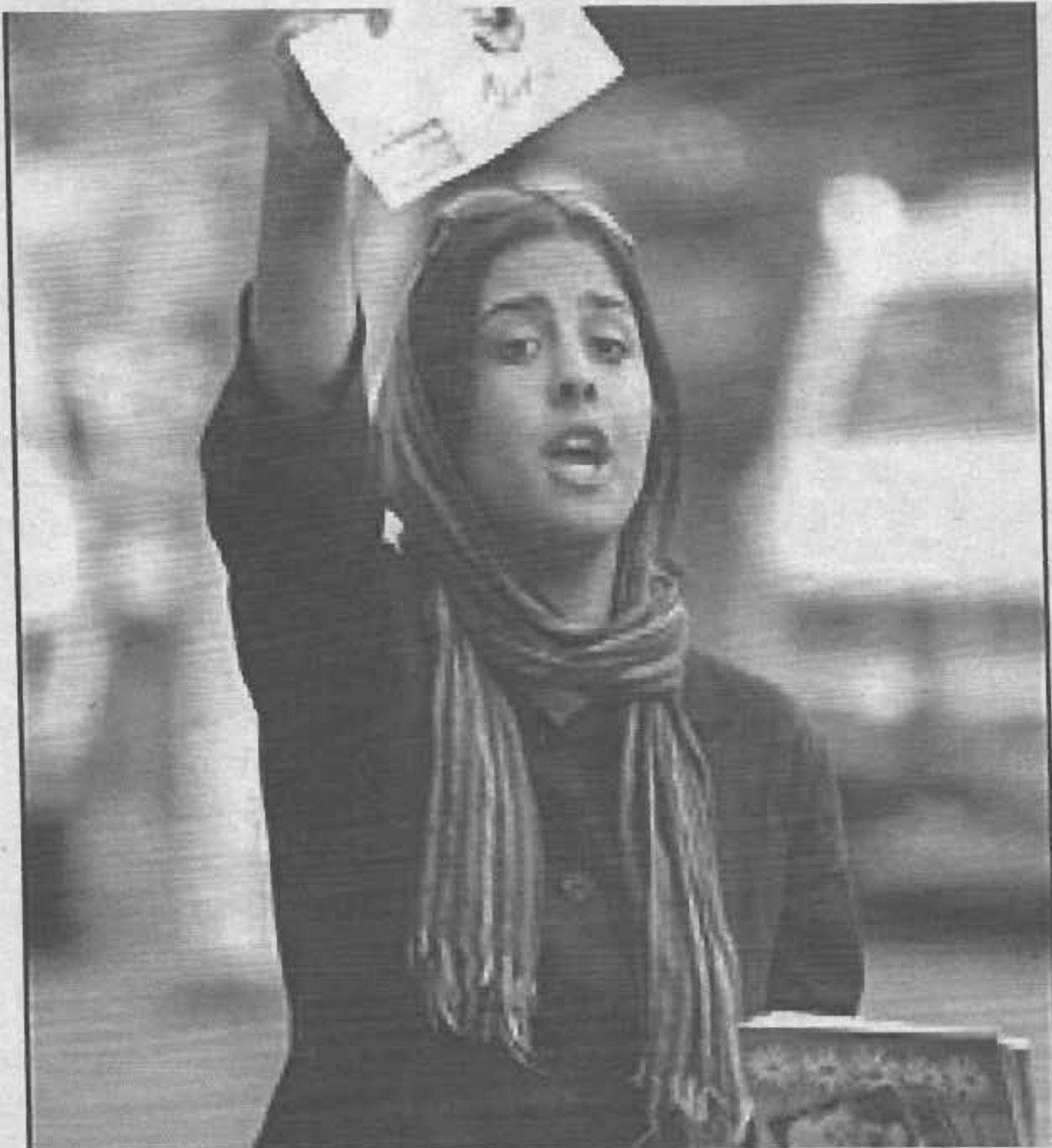
متأسفانه یکی از نامعقول ترین زمینه هایی که همه کاندیدها روی آن مانور کردند، همین پدیده بود؛ بدون اینکه وارد این بحث اساسی بشوند که مردم ایران از نظر شهروندی در کنار هم و همه با هم یکسانند و بگویند، تلاش خواهند کرد آنچه را در این قانون اساسی وجود دارد که بخشهایی از شهروندان ایران را به شهروند درجه دوم تبدیل کرده است، تغییر می دهند. حاکمیت نیز تاکنون تمام ملت ایران را چه از نظر اقتصادی، چه اجتماعی و چه سیاسی تحت فشار قرار داده و در گزینش مدیران مملکت هیچ گاه شایسته سالاری مطرح نبوده و بیشتر قبیله سالاری حاکم بوده است؛ که بخواهند چنین ساختاری را تغییر بدهند و بگویند به همه ایرانیان، در هر جای این سرزمین و در هر تیره ایرانی و با

هر نامی که زندگی می کنند؛ فرصت داده خواهد شد تا از موقعیتهای مناسب برخوردار شوند. چنین چیزی را هرگز نگفتند و در واقع در دامی افتادند که دیگران برای آن ها گسترده بودند.

در جریان کنفرانسی که در تبریز داشتم، تعرض یک گروه چند نفره با واکنش شدید نیروهای دانشجویی و تمامی استادان و مردم خوبی که در آن کنفرانس حضور داشتند، روبرو شد و مردمی که بعد از موضوع اطلاع یافتند نیز واکنشهایی در تقبیح و محکومیت این گونه حرکات، نشان دادند. این نشان دهنده این مسئله است که پدیده هایی مثل پان ترکیسم و پان عربیسم و پان های دیگری که مطرح می شوند و با امکاناتی که از فراسوی مرزها در اختیارشان قرار داده می شود و قدرت مانور می یابند، چقدر ضدملی و غیر مردمی هستند و جامعه سالم و صاحب شعور ایران، بر تمام این مسائل اشراف کامل دارد.

هنگامی که رسانه ها کارنامه فردی را منتشر می کنند، به ویژه شخصی که سمتها و موقعیتهای مختلفی را پشت سر گذاشته است و حالا به ریاست جمهوری می رسد، باید یک بازخوانی کامل در کارنامه اش انجام شود. در پرونده ای اشخاص، بخشی بصورت رسمی مطرح می شود و بخش دیگر بصورت غیر رسمی؛ که ممکن است به شکل شایعه و یا واقعیت انتشار یابد، که همه ی این مسائل باید مطرح بشود و ایشان هم باید پاسخگو باشند.

به تصور من محدودیتهای شدیدی برای رئیس جمهور، چه در چارچوب قانون اساسی



و چه فراقانونی وجود دارد، و با توجه به مسائلی که در دوران ۸ ساله آقای خاتمی شاهد آن بودیم که با داشتن حمایت گسترده مردم و آن مجلس یکپارچه‌ی اصلاح طلب، و موج و هیجانی که ایجاد شده بود، تمام تلاش شان را کردند ولی سرانجام اذعان کردند که تنها یک تدارکاتچی هستند.

بنابراین تا زمانی که آن جریان دوم مورد اشاره ام، در مسیر تثبیت موقعیت خود، در تمامی آرگانهای حکومتی برنیامده، به نظر نمی‌رسد آقای احمدی نژاد بتواند خارج از دستور العملی که در پس ساختار رسمی ابلاغ می‌شود، کار دیگری را با ابتکار خاص خودشان، سازماندهی کنند.

البته گفتن این مسائل مقداری پیش داووزی است و باید در انتظار بود و با گذشت دست کم ۶ ماه از حکومت ایشان مسائل را آگاهانه تر ارزیابی کرد.

هنگامی که در درون ساختارهای حاکمیتی توانالتر، جریانهای به نسبت رادیکالی شکل می‌گیرد و گروهی می‌خواهند چرخشی به گذشته ایجاد کنند (که در چین تا حدودی بوجود آمد) و واقعیت جهان امروز این اجازه را نمی‌دهد. این چرخش به گذشته و اخراج صحنه گردانان کنونی با تکیه بر ارزشهای مورد ادعا در آغاز انقلاب، با توجه به شرایط بحرانی منطقه‌ی خاورمیانه و ایران، و مشکلات بنیادین اقتصادی جامعه ایران، به شدت کار مشکلی است. در جهان امروز و در شرایط کنونی منطقه، ایران و جهان این گونه عملکردها پاسخ مثبت را از جامعه و

حاکمیت نیز تاکنون تمام ملت ایران را چه از نظر اقتصادی، چه اجتماعی و چه سیاسی تحت فشار قرار داده و در گزینش مدیران مملکت هیچ گاه شایسته‌سالاری مطرح نبوده و بیشتر قبیله‌سالاری حاکم بوده است

ساختار بین الملل نمی‌تواند دریافت کند.

در همین چندروز گذشته که هنوز تغییر رئیس جمهور عملاً انجام نشده، با مسئله افت شدید بورس مواجه بودیم و شرکتهای هواپیمایی خارجی، مقدمات چارتر را برای خروجهای احتمالی از کشور، تدارک دیده‌اند و امیدهای فراوانی در دویی بوجود آمده که سرمایه‌های ایرانیان بار دیگر در حجمی بالا به آنجا سرازیر

خواهد شد.

اکنون با توجه به افزایش قیمت نفت می‌رویم که بار دیگر بزرگترین فرصت طلائی مان را از دست بدهیم و در آمد پنجاه میلیارد دلاری امسال به سرنوشت دردناک درآمدهای چندین هزار میلیارد دلاری پس از انقلاب تا به امروز دچار می‌گردد. همه تحلیلگران آگاه با شناختی که از مجموعه جریان پیروز دارند، به شدت نگران آنند که با حضور موج جدید از پایه‌وران به دور از دید کارشناسی و صلاحیت بالای مدیریتی در دستگاه دولت، کشور در ابعاد مختلف دچار زیان و خسارت‌های سنگین شود.

رئیس جمهور از یک سو باید سرمایه‌گذارهای کلان برای دگرگونی در ساختار بیمار صنایعی که نیاز به بازسازی کلی دارند، بوجود آورد و از سوی دیگر بتواند شرایطی را به وجود بیاورد که اشتغال منظم، پایه‌ای و با رشد فزاینده معقول در زمان بندی مناسب ایجاد شود.

وقتی نتوانند چنین مسیری را برای جامعه طراحی کنند، با ایجاد یک جو بازگشت به ارزشهای انقلاب مشکل جامعه را نه تنها نمی‌توانند حل کنند، بلکه این جامعه از فرصتهای موجود، لطمه خواهد دید. یعنی اگر ورود

ارزهای مربوط به افزایش قیمت نفت، درست مدیریت و سازماندهی نشود، می‌تواند جامعه را دچار یک فاجعه بزرگ کند و تورم را به بالای ۵۰ درصد برساند.

ممکن است تا شش ماه و یا یکسال، بتوان به ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر مبالغ پنجاه هزار تومانی (برخی از کاندیداها تا هشتاد هزار تومان هم رساندند) پرداخت کرد، ولی با این نگرشها پدیده اقتصاد بیمار ما که نیاز مبرم به سرمایه‌گذاری کلان خارجی و مدیریت قدرتمند و توانا دارد، درمان نخواهد شد.

شرایط امروز ایران نیاز به یک سازوکار مدیریتی توانمند دارد که این تنها از عهده‌ی مدیران صاحب اندیشه و موجه، و بخش عمده‌ای از ایرانیان غربت نشین و اندیشمندان و کارشناسان ایرانی که سالهای سال است بصورت بازنشسته و یا کنار گذاشته شده در آمده‌اند، بر می‌آید. ظاهر قضیه این است که این موج و نگرش جدید در بازنشسته و خانه نشین کردن دیگر کارشناسان موجود، می‌تواند اثر گذار باشد؛ اگر چنین فاجعه‌ای رخ دهد، باید گفت که ملت ایران یکی از نگران کننده‌ترین و تیره‌و تارترین دورانهای خود را طی خواهد کرد، که بی‌شک غیر قابل توجیه و غیر منطقی خواهد بود. به امید ایرانی آزاد و آباد.